

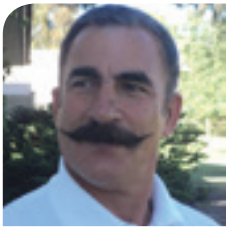
کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۴۷ پنجشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۸، ۴ آوریل ۲۰۱۹

www.kurdistanmedia.com



نقش رژیم
در برهم زدن زبان کوردی
جنوب کوردستان ایران!

۷



سناریوها و امکانات در سال
جدید

۶



شرحی حقوقی
بر وجود بازداشتگاه‌های امنیتی
در کوردستان

۵



از یازدهم سپتامبر
تا پانزدهم مارس

۴

تجدید پیمان "شاخ و شار"



چند حزبی بدل شده است. اما تمام احزاب و سازمان‌های ملی و دمکراتیک و آزادیخواه کوردستان ضمن تفاوت‌های سیاسی‌شان، جمهوری کوردستان و آرمان‌های‌اش را گرامی می‌دارند. این نشان دهنده این واقعیت است که پیشوا و آرمان‌های جمهوری کوردستان نه تنها ملک حزبی مشخص و معینی نیست بلکه بخشی از نمادهای و سمبل‌های مشترک فرهنگ سیاسی و آزادیخواهی مردم کوردستان و احزاب می‌باشد. پیشوا قاضی چه آن هنگام که تأسیس جمهوری کوردستان را اعلام کرد و چه در وصیت‌نامه‌اش، همچون رهبری ملی و دلسوز و آگاه بر این امر تأکید می‌کنده مبارزین ملت کورد لازم است که در مقابل دشمنان کوردستان راسخ و متحد و همصدا باشند و با هم تعاملی بر مبنای مدارا و آینده‌نگری داشته باشند. در همین راستا و طی روزهای اخیر، مردم کوردستان و خانواده‌ی سرپلند شهیدان و پیشمرگه‌های شهر هر کدام به نوبه خود و به طرق مختلف از جمله ارسال پیام و انجام فعالیت‌های تبلیغاتی و برافراشتن پرچم کوردستان و سر زدن به خانواده شهیدان و یا حضور بر سر مزار شهیدان، این روز را گرامی داشتند و عهد و پیمان خود را با تمام شهیدان نو کردند.

برجسته کردن قدرت جامعه و پتانسیل انقلابی کوردستان، تأثیرگذار باشد و به گفت‌وگوهای اصلی در مبارزات سیاسی و مدنی شهروندان بدل شود. این گفت‌وگوها و بازیگران‌اش، اکنون نقش نیروی آفرینشگر برای خلق تاریخی نوین را ایفا می‌کنند. در واقع لازم است که در اینجا به این مسأله نیز اشاره کنیم که راسان تنها پروژه‌ای برای رهایی از ظلم و ستم دیکتاتور و تحقق آزادی نیست، بلکه گفتمانی‌ست بر مبنای نگاهی نو به سیاست و مشارکت اقشار و طبقات مختلف جامعه در جنبش، که هم پیروزی نهایی و پایدار را نصیب ما می‌کند و هم زمینه ایجاد دمکراسی باثبات و واقعی را فراهم می‌کند. همچنین مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران طی انتشار پیامی علاوه بر گرامیداشت روز شهیدان کوردستان، اعلام کرد: امروز بعد از گذشت بیش از ۷ دهه از اعدام پیشوا و یارانش، شاهد آن هستیم که جنبش کورد به فاکتور اصلی مبارزه برای آزادی و دمکراسی در ایران و منطقه بدل شده است. فکر و اندیشه ملی و آزادیخواهانه در سرتاسر کوردستان به خوبی نشان می‌دهد که امروزه جامعه کوردستان دچار دگرگونی و تحول شده است و جامعه‌ای همه رنگ، پیشرو، پلورال و

گذاشت و لذت زندگی آزاد و حاکمیت را به انسان کورد بخشید، اگر چه برای مدتی کوتاهی هم باشد، و به مانند بزرگترین تقابل و چالش برای نظام ستم شاهی ظهور یافت. به همین خاطر دیکتاتور حاکم بر ایران تمام توان خود را به کار برد تا با بهره بردن از شرایط حاکم بر منطقه و جهان، بتواند این دستاور ملت کورد را نابود کند و سرانجام توانست بعد از گذشت یازده ماه از تأسیس جمهوری کوردستان، حاکمیت پرشکوه و پرافتخار ملت کورد را از بین ببرد. آنان با این خیال واهی که می‌توانند همه دستاوردها جمهوری کوردستان و اندیشه‌ی والای آزادی ملت کورد که در این جمهوری رشد و نمو یافته است را در فکر و ذهن انسان کورد پاک کنند، در روز ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ شمسی، بعد از برگزاری دادگاهی فرمایشی، قاضی محمد پیشوای بزرگ و رئیس‌جمهور کوردستان و نیز صیف قاضی و صدر قاضی، دو همراه و یار او را، اعدام کردند. در بخش دیگری از این پیام آمده است: راسان به مانند پروژه‌ای همه جانبه عقلانی، اخلاقی و سیاسی با تحلیل شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای و نقش نیرو در مدنظر قرار دادن خواست و آرزوهای انسان‌ها، با فداکاری پیشمرگه‌های قهرمان و حمایت مردم، تا حد قابل قبولی توانسته در

سرود ملی "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت برای ادای احترام به یاد و خاطره شهیدان راه آزادی کوردستان، آغاز شد. سپس پیام هیئت اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت روز شهیدان، توسط کریم پرویزی عضو هیئت اجرایی حزب، قرائت گردید. او در پیام مذکور ضمن اشاره به لزوم گرامیداشت ۱۰ فروردین، بطور مفصل به جایگاه والای پیشوا قاضی محمد و نیز ویژگی‌های برجسته‌ی این شخصیت ملی همچون شجاعت و دلیری، خلاقیت و نقش ایشان در تعالی جمهوری کوردستان را تشریح کرد. در ادامه مراسم، مجموعه برنامه‌هایی همچون سرود و خواندن شعر اجرا شد و پیام‌های رسیده به مناسبت چنین روزی، قرائت گردید. از سوی دیگر، کمیسیون اجتماعی حزب دمکرات کوردستان ایران، به همین مناسبت پیامی را منتشر کرد که در آن آمده است: امروز، روز گرامیداشت جان فدایی و از خودگذشتگی می‌باشد که در ذات خود، عالی‌ترین معانی زیستن و چگونه زیستن را برای ما به ارث گذاشته است. هنگامی که هفتاد و سه سال پیش، جمهوری کوردستان به مانند یکی پرافتخارترین تجارب سیاسی تاریخ کورد پا به عرصه حیات سیاسی

روز جمعه، نهم فروردین‌ماه ۱۳۹۸ شمسی، مراسمی ویژه به مناسبت ۱۰ فروردین، روز شهیدان کوردستان با حضور مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، اعضای رهبری و همچنین خانواده سرپلند شهیدان، کادر و پیشمرگه‌های حزب برگزار شد. مراسم مذکور با رژه نظامی به سمت مزار شهیدان و اجرای سرود "ای شهیدان"، آغاز شد. سپس مصطفی هجری، مسئول اجرایی حزب همراه با بهار رستمی، همسر شهید مهدی توریوری و کثر مهفر، همسر شهید رسول محمدزاده، تاج گلی را به نشانه ادای احترام به یاد و خاطره تمام شهیدان راه آزادی کوردستان، بر مزار شهید سلام عزیزی قرار دادند. در بخش دیگری از مراسم روز شهیدان کوردستان، نمایشگاهی از عکس‌های شهیدان حزب که برای بازدید حاضرین در مراسم آماده و تدارک دیده شده بود، توسط مصطفی هجری، مسئول اجرایی حزب و نیز علی غفوری، پیشمرگه و برادر شهید، افتتاح شد. همچنین روز یکشنبه، یازدهم فروردین‌ماه، مراسمی به همین مناسبت، با حضور تعدادی از اعضای شورای سیاستگذاری و هیئت اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران، کادر، پیشمرگه و خانواده‌ی سرپلند شهدا در مقر "جزنکان" برگزار شد. مراسم مذکور با اجرای

سفن

دشمن خارجی، نعمت الهی

کریم پرویزی

برای حکومت‌های سر تا پا فاسد همچون رژیم ولایت فقیه، دشمن خارجی نیاز غیرقابل انکاری‌ست که رژیم می‌تواند با چنین دست‌آویزی، دلیلی بر ادامه حیات خود و پنهان کردن فساد فراگیر بیابد. در بحبوحه‌ی جنگ ایران و عراق که خمینی طی سخنانی اعلام کرد که جنگ نعمت الهی است، برخی بر این باور بودند که رژیم اسلامی از این جهت که به دنیای دیگری باور دارد به اشاعه تفکرات مرگ دوستی دست می‌زند و تحت لوای بهشت برین به مغزشویی جوانان می‌پردازد! اما واقعیت امر، چیز دیگری بود. رژیم ولایت فقیه، رژیم‌ست که در بحران به حیات خود ادامه می‌دهد و با ایجاد بحران و آشوب رشد می‌کند و منطقه هر چه بیشتر به آتش کشیده شود رژیم ایران نیز بیشتر می‌تواند با دخالت و نفوذ بیشتری به افکار جنگ‌طلبانه، دامن بزند. از سوی دیگر، رژیم مستبد همچون ولایت فقیه، بخاطر فساد فراگیر و اختلاس‌های نجومی مقام‌های حکومتی نمی‌تواند ثروت کشور را جهت رفاه و آسایش مردم صرف کند و اقتصاد را به قهقرای نابودی کشانده است. چنین رژیم‌هایی، همزمان نیازمند اشاعه دائمی ترس و هراس و ایجاد این توهم هستند که دشمنان ایران و ایرانی سودای آنرا در سر دارند که کشور را تکه تکه کرده و زندگی مردم را به ویرانی بکشند! همانگونه که رژیم پادشاهی می‌گفت: با از بین رفتن پادشاه، ایران به ایرانستان بدل می‌شود! رژیم ولایت فقیه نیز تأکید می‌کند که با کنار رفتن این حکومت، ایران هزار تکه می‌شود. در چنین شرایطی و با این دلایل، رژیم مستبد و فاسد ولایت فقیه نیازمند دشمنی

ادامه در صفحه‌ی ۲

پیشمرگه‌ها، آتش نورروزی را در کوهستان‌های کوردستان برافروختند



تشکیل شده بود، که در بخش اول آن " غالب حبیبی"، از

کادرهای حزب با خواندن پیامی، نوروز را به ملت کورد

تبریک گفت و به انسجام و اتحاد مردم و نیروهای سیاسی

اشاره کرد.
پس از قرائت پیام مذکور،

۱۰ فروردین "روز شهیدان کوردستان" در مقر اصلی حزب دمکرات، گرامی داشته شد

حضور مسئول اجرائی حزب دمکرات کوردستان ایران، اعضای رهبری و همچنین خانواده سربلند شهیدان، کادر و پیشمرگه‌های حزب برگزار شد.

مراسم مذکور با رژه نظامی به سمت مزار شهیدان و اجرای سرود"ای شهیدان"، آغاز شد. سپس مصطفی هجری، مسئول اجرائی حزب همراه با بهار رستمی، همسر شهید مهدی توریوری و کتر مهفر، همسر شهید رسول محمدزاده، تاج گلی را به نشانه ادای احترام به یاد و خاطره تمام شهیدان راه آزادی کوردستان، بر مزار شهید سلام عزیزی قرار دادند. در بخش دیگری از مراسم

روز شهیدان کوردستان، نمایشگاهی از عکس‌های شهیدان حزب که برای بازدید حاضرین در مراسم آماده و تدارک دیده شده بود، توسط مصطفی هجری، مسئول اجرائی حزب و نیز علی غفوری، پیشمرگه و برادر



شهید، افتتاح شد. به همین مناسبت، کمیسیون اجتماعی حزب دمکرات کوردستان ایران، پیامی را منتشر کرد که در آن آمده است: امروز، روز گرامیداشت جان فدایی و از خودگذشتگی می‌باشد که در ذات خود، عالی‌ترین معانی

پایان دوره ۲۳۵ مقدماتی پیشمرگه و پیوستن گروه دیگری از جوانان وطن به صفوف پیشمرگه

جشن پایان دوره‌ی ۲۳۵ مقدماتی پیشمرگه در کوهستان‌های کوردستان برگزار شد. روز پنج‌شنبه، هشتم فروردین‌ماه، مراسم پایانی دوره‌ی ۲۳۵ پیشمرگه در کوهستان‌های کوردستان برگزار شد و طی آن گروه دیگری از آزادیخواهان کوردستان به صفوف مبارزاتی پیشمرگه ملحق شدند تا بتوانند در راه آزادی و رهایی سرزمین‌شان و تحقق رویاها و خواست‌های ملت کورد، مرحله تازه‌ای از مبارزه را آغاز کنند. این مراسم با

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای برگزاری مراسمات نوروزی در استان‌های کوردستان را نمایش بزرگ اتحاد و انسجام ملت کورد وصف کرد.

مردم مبارز کوردستان، همچنان که همه میدانیم ، نوروز همچنانکه نماد نو شدن سال و طبیعت و پایان فصل سرما و شروعی نو برای آدمیان و همه جانداران در کره خاکی است، اما برای ما مردم کورد نوروز همچنین نماد بپاخاستن و روز طلوع خورشید آزادی بر سیاهی استثمار و ظلم است. در کوردستان تحت استبداد جمهوری اسلامی، امسال نیز نوروز عاملی شد برای دوستی

و اتحاد. مردم کوردستان از هر طبقه، باور و زبان و بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های جغرافیایی، فکری و مذهبی، به پیشوازی فراخوان مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران آمدند و نشان دادند که ملت کورد از احزابشان جدا نیستند. همچنان در ۶ ماه گذشته نیز مردم کوردستان ۲بار (۲۱ شهریور ۱۳۹۷ و مراسم نوروز ۱۳۹۸) ثابت کردند که سیاست کشتار، اعدام و زندان در ۴ دهه گذشته از سوی سازمان‌های سرکوب جمهوری اسلامی بر مردم کوردستان تحمیل شد، نتوانست خللی بر اراده ملی خلق کورد در کوردستان ایران بوجود آورد و مردم و

احزابشان را از هم جدا سازد. مردم خستگی ناپذیر و با اراده کوردستان در جشن‌های نوروزی در شهرها و روستاها و در هر کوه و دشتی ثابت کردید که چه نیروی عظیم و گسترده‌ای هستید و چه نیرویی در وجودتان برای رهایی و آزادی سرزمین‌تان جاری است. شما با اتحاد مثال زدنی، رقص آزادی برپا کردید و با "جامانه و گولونی و گل سرخ" چشم سرکوبگران را کور کردید. نوروز امسال تنها آهنگ شادی و سرور نبود، بلکه نمایشی بزرگ از قدرت مردم کوردستان بود که علی‌رغم همه تهدیدها و فشارهای رژیم و استفاده از نیروی

نظامی و امنیتی در شهرها و مرزهای کوردستان، توانستند مراسم و جشنهای نوروزی را بسیار وسیع‌تر و باشکوه‌تر و به گستردگی همه کوردستان به نمایش بگذارند. مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران، ضمن سپاسگذاری از شجاعتتان، این پیروزی بزرگ را به شما تبریک می گوید، شما نشان دادید که پیشرو و پیش آهنگ مبارزه و مقاومت در برابر ظلم ظالمان هستید، شما ثابت کردید که جنبش آزادیخواه کوردستان پیش آهنگ مبارزه مدنی، متمدانه و بدون خشونت است. مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران ضمن تاکیدی دوباره با عهد و قراری که با شما بسته

کوردستان

بطور اختصار تاریخچه‌ای از نوروز برای پیشمرگه‌ها تشریح شد.

بخش دوم این مراسم، در محفلی گرم و با گرد هم آمدن پیشمرگه‌ها برگزار گردید. این بخش شامل بازگویی خاطرات، ضرب و مثل، آوازخوانی و بازی بود.

پیشمرگه‌های حاضر در این مراسم، با آغاز سال ۲۷۱۹ کوردی، اتحاد و همبستگی ملت کورد، تحقق یک زندگی انسانی برای ملت کورد و موفقیت "راسان"ی‌ها را آرزو کردند.

زیستن و چگونهِ زیستن را برای ما به ارث گذاشته است. هنگامی که هفتاد و سه سال پیش، جمهوری کوردستان به مانند یکی پرافتخارترین تجارب سیاسی تاریخ کورد پا به عرصه حیات سیاسی گذاشت و لذت زندگی آزاد و حاکمیت را به انسان کورد بخشید، اگر چه برای مدتی کوتاهی هم باشد، و به مانند بزرگترین تقابل و چالش برای نظام ستم شاهی ظهور یافت. به همین خاطر دیکتاتور حاکم بر ایران تمام توان خود را به کار برد تا با بهره بردن از شرایط حاکم بر منطقه و جهان، بتواند این دستاور ملت کورد را نابود کند و سرانجام

توانست بعد از گذشت یازده ماه از تاسیس جمهوری کوردستان، حاکمیت پرشکوه و پرافتخار ملت کورد را از بین ببرد. آنان با این خیال واهی که می‌توانند همه دستاوردها جمهوری کوردستان و اندیشه‌ی والای آزادی ملت کورد که در این جمهوری رشد و نمو یافته است را در فکر و ذهن انسان کورد پاک کنند، در روز ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ شمسی، بعد از برگزاری دادگاهی فرمایشی، قاضی محمد پیشوای بزرگ و رئیس‌جمهور کوردستان و نیز صیف قاضی و صدر قاضی، دو همراه و یار او را، اعدام کردند.

کند. بعد از سخنان لقمان مهفر، سرودی تحت عنوان " ای دمکرات" از سوی تعدادی از حاضرین در دوره، اجرا شد. در بخش دیگری از مراسم، گزارش آموزشی دوره مذکور از سوی "خلیل گلوکانلوی" قرائت گردید. همچنین پیام دوره از سوی "جمال صفوی" خوانده شد. در ادامه مراسم پایان دوره ۲۳۵، چندین شعر و سرود اجرا و تقدیم حاضرین در مراسم گردید. جشن پایان دوره ۲۳۵ مقدماتی پیشمرگه، با اجرا و نمایش حرکات رزمی-نظامی به پایان رسید.

اطلاعیه مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران به مناسبت برگزاری شکوهمندانه جشن‌های نوروزی

است، از هیچ کوششی در جهت برداشتن گام‌های بزرگتر به سمت اتحاد و همبستگی فروگذار نخواهد کرد. بدون شک استقبال و جوش و خروش شما از درخواستهای ما در راستای امیدی است که به اتحاد و همبستگی ما دارید، ما نیز این خواست بر حق شما را فراموش نمی کنیم و از هیچ تلاش و کوششی در این زمینه دریغ نمی کنیم.

نابود باد جمهوری

اسلامی ایران

پاینده باد جنبش

آزادیخواه کوردستان

مرکز همکاری احزاب

کوردستان ایران

۵ فروردین ماه ۱۳۹۸

مسئولان رژیم ایران، واقعیات سیلاب استان‌های کوردستان را تحریف می‌کنند

تحمیل شود. بیشتر، در آبان‌ماه ۱۳۹۶ و بعد از وقوع زلزله ۷ و سه دهم ریشتری کرماشان، حکومت با عدم کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان و ممانعت از رسیدن کمک‌های مردمی به آنان و همچنین عدم بازسازی مناطق زلزله‌زده بعد از گذشت یکسال و اندی، بصورت چشمگیری بر میزان تلفات انسانی و خسارات مادی در این مناطق افزود. حال نیز با جاری شدن سیل که مناطق زلزله‌زده را نیز در بر می‌گیرد، آب جاری شده کانکس‌ها و چادرهای زلزله‌زدگان را با خود برد و بار دیگر این مردمان داغ‌دیده را بی‌سرپناه کرد. انکار و تحریف واقعیات طی چهار دهه اخیر از اصول انکار ناپذیر حکومت اسلامی در ایران و کوردستان بوده است.

ویدئوی-کلیپ‌های متعددی از وقوع سیل در این استان در شبکه‌های اجتماعی اظهارات جلیل‌بالایی را تکذیب و اعلام کردند، که یک جوان هیجده‌ساله به نام بهنام وبسی، اهل روستای کانی عزیز، بعد از ظهر روز دوشنبه، پنجم فروردین، به دلیل وقوع سیل جانش را از دست داده است. عدم کمک‌رسانی به موقع به آسیب‌دیدگان، عدم تخصیص بودجه‌های لازم برای پیشگیری از وقوع سیل در طول سال و بی‌توجهی مسئولین حکومتی به هشدارهای سازمان هواشناسی در وقوع سیل و اسکان مردم در مناطق بی‌خطر، هر ساله موجب شده که در استان‌های کرماشان، ایلام و لورستان با جاری شدن سیلاب‌های سهمگین خسارات جانی و مالی گسترده‌ای بر مردم

مدیرکل بحران استان کرماشان، مدعی شده که هیچ سیلی در کرماشان و شهرستان‌های تابعه جاری نشده است. جلیل‌بالایی، مدیرکل مدیریت بحران استان کرماشان، در گفتگویی با خبرگزاری حکومتی ایسنا مدعی شد که: سیل به معنای واقعی در استان نداشته‌ایم و آن فردی هم که عنوان شده بر اثر سیل جان خود را از دست داده، داخل رودخانه فصلی گرفتار شده بود. او در مصاحبه خبری خود بسیار کوشید تا واقعیت‌های مربوط به فاجعه انسانی وارده بر استان‌های کوردستان بویژه کرماشان را انکار یا تحریف کند. بالایی همچنین مدعی شد که: خوشبختانه با اقدامات پیشگیرانه سامانه بارشی بدون مشکل از استان در حال عبور است. بعد از این اظهارات، مردم کرماشان با انتشار

یاری‌دهندگان به سیلاب کوردستان از سوی مقامات حکومتی تهدید می‌شوند



ندارد، سازمان‌های مردم‌نهاد بصورت خودجوش دست به راه‌اندازی کمپین‌های متعدد برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی کرده‌اند تا از این طریق بتوانند یار و یاور هموطنان خود در بخش‌های دیگر کوردستان باشند. قابل ذکر است که اقدامات مذکور با استقبال گسترده‌ای مردمی روبه‌رو شده است. کردپا به نقل از یک منبع خبری موثق متذکر می‌شود که، جمعیت هلال احمر مهاباد با تهدید مجریان این کمپین به آنان اعلام کردند که باید کمک‌های مردمی جمع‌آوری شده را به هلال احمر تحویل

سازمان هلال احمر، انجمن‌های مردمی را که در حال جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای سیل‌زدگان کوردستان هستند، تهدید به بازداشت کرد. آژانس خبرسانی کُردپا، با انتشار گزارشی خبر داد که جمعیت هلال احمر مهاباد، اعضای انجمن "ژیا نه وه ی سروشتی مهاباد" را که در حال جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای سیل‌زدگان هستند، تهدید کرده و مانع از ادامه فعالیت آن‌ها شده است. از آن جهت که حکومت اسلامی ایران در میان مردم کورد مشروعیت و اعتباری

مناطق بی‌خطر سخن گفت در حالی که فیلم‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی به وضوح از بی‌سرپناه شدن دوباره مردم زلزله‌زده سرپل و غوطه‌ور شدن کانکس‌ها و چادرهای آسیب‌دیدگان در سیل و کشته و زخمی شدن مردم خبر می‌دهد. تا لحظه تنظیم این خبر آب و برق و ارتباط ۴۰ روستای شهرستان‌های سرپل ذهاب و گیلان غرب بطور کامل قطع شده است. مردم کوردستان و گروه‌های امدادرسانی مردمی در همان ساعات اولیه حادثه و با شناختی که از جمهوری اسلامی داشتند، برای کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان کرماشان و ایلام و لورستان بسیج شده و با تشکیل گروه‌های امدادی اقدام به جمع‌آوری وسایل مورد نیاز آسیب‌دیدگان و اعزام نیروهای امدادی کردند. شهرهای سنندج، کامیاران و میوان از جمله شهرهای مذکور می‌باشند.

«نی» با برافراشتن پرچم کوردستان و سر دادن سرودهای حماسی به استقبال نوروز رفت



قابل ذکر است که اکثر شرکت‌کنندگان در این مراسم لباس کوردی به رنگ خاکی به تن داشتند و جامانه و گولونی را به دور گردن انداخته بودند. در میان کوردها لباس خاکی، جامانه و گولونی از نمادهای مبارزه و مقاومت ملی به شمار می‌آید. سال گذشته نیروهای تروریستی سپاه با همراهی نیروهای سرکوبگر انتظامی و جاش‌ها به روستای نی، از توابع سنندج، یورش بردند و مانع از برگزاری مراسمات نوروز کوردواری شدند. در پی این اقدام، یک هفته میان مردم و سپاه درگیری شدید شکل گرفت که طی آن قریب به چهار روز حکومت نظامی اعلام شد اما مقاومت و مبارزه مردم قهرمان نی سرانجام به پیروزی رسید و با بیرون راندن سپاهی‌ها از منطقه، توانستند آتش نوروزی را برافروزند و شعار "زنده باد آزادی، زنده باد دمکرات" سر دهند.

آهنگ‌های حماسی از هنرمند ملی کورد، ناصر رزای، از بلندگوی مسجد این روستا، حال و هوای ویژه‌ای به آن بخشیدند. همچنین سرودهای ملی و حماسی دیگری از جمله سرودهای هنری حزب دمکرات کوردستان ایران، از بلندگوی همین مسجد پخش شد. در بخش دیگری از این مراسم، تعدادی از جوانان مبارز کورد پا در دست داشتن پرچم کوردستان در میان مردم حضور یافتند و پرچم کوردستان را برافراشتند.

مردم کوردستان فارغ از تهدیدات سپاه پاسداران، با خواندن سرودهای حماسی همچون "ای قاسملو، راحت ادامه دارد"، به استقبال سال نو کوردی رفتند. بنابر ویدئو-کلیپ‌های منتشرشده در فضای مجازی، عصر روز پنج‌شنبه، هزاران نفر از مردم کورد با حضور در روستای "نی"، با برافراشتن پرچم کوردستان و سر دادن سرودهای حماسی، آتش نوروزی را برافروختند و به استقبال سال نو کوردی رفتند. در این مراسم باشکوه و ملی، مردم با پخش

حکومت، سیل‌زدگان را به حال خود رها کرده / مردم به یاری سیل‌زدگان کرماشان، ایلام و لورستان شتافتند

ازگله، پلدختر و ایلام از جمله شهرهای کوردستان هستند که بیشترین خسارت‌ها را از جاری شدن سیل متحمل شده‌اند. جاری شدن سیلاب در روز دوشنبه، موجب ویرانی کامل پل ازگله، جاده خرم‌آباد-پلدختر، پل اصلی پلدختر شد. همچنین ویدئو-کلیپ‌های منتشر شده در فضای مجازی به وضوح نشان می‌دهد که، خانه و ساختمان‌ها دچار ریزش و پل‌های ارتباطی نابود و جاده‌ها به کلی از دسترس خارج شده است. با اینکه مردم آسیب دیده کورد در بدترین شرایط ممکن قرار دارند اما واکنش مقامات حکومتی نسبت به این فاجعه بسیار مضحک و توهین آمیز بوده است. جلیل‌بالایی، مدیرکل مدیریت بحران استان کرماشان در حالی روز سه‌شنبه، از تحت کنترل بودن بحران خبر داد که روز قبل از آن، وقوع هرگونه سیل در این استان را انکار کرده بود. او همچنین از اسکان مردم زلزله‌زده در

در حالی که مقامات حکومتی نسبت به فاجعه‌ی وارد شده به استان‌های سیل زده کرماشان، ایلام و لورستان واکنش مناسبی از خود نشان نداده‌اند، تیم‌های یاری‌رسان مردمی برای رساندن کمک به سیل‌زدگان فعال شده‌اند. امیر سرتیپ دوم تقی خانی، سخنگوی ارتش، روز دوشنبه پنجم فروردین‌ماه، در کنفرانسی خبری اعتراف کرد که نیروهای حکومتی هنگامی به مناطق سیل زده کرماشان رسیده بودند که سیلاب، کانکس‌ها و چادرهای زلزله‌زدگان را با خود برده بود. این اعتراف در حالی‌ست که از چندین روز قبل، سازمان هواشناسی ایران هشدار داده بود که استان‌های کوردستان با بارش‌های شدید فصلی و طغیان رودها و جاری شدن سیلاب‌های سهمگین روبه‌رو هستند. اما با تمام این هشدارها، سازمان‌ها و نهادهای مربوطه هیچ اقدام پیشگیرانه‌ای جهت حفظ جان شهروندان و کاهش خسارات انجام نداده‌اند. سرپل ذهاب،

کوردستان را به حال خود رها کرده / مردم به یاری سیل‌زدگان کرماشان، ایلام و لورستان شتافتند

کوردها قربانیان اصلی مین، ۶۲ کشته و زخمی تنها در سال ۹۷

جمهوری اسلامی ایران، یان جان خود را از دست داده‌اند یا دچار نقص عضو شده‌اند. بر اساس آمار منتشر شده در این گزارش، تمامی قربانیان در استان‌های ارومیه، سنندج، کرماشان، ایلام، خوزستان و سیستان و بلوچستان، دچار حادثه شده‌اند که از این تعداد ۱۴ نفر جان خود را از دست داده و ۴۸ نفر دیگر دچار

مین‌های کاشته شده، بیش از ۶۲ کشته و زخمی در سال ۹۷ به جای گذاشته است. آژانس خبررسانی کردپا به نقل از راپورت مفصلی که از سوی وبلاگ "مین و زندگی" منتشر شده بود، گزارش داد که از ابتدای سال ۹۷ تا انتهای آن ۶۲ شهروند کورد و خوزستانی بر اثر انفجار مین‌های کاشته شده توسط نیروهای نظامی

شهروندان کورد شوند تا شاید از این طریق مانع از برگزاری مراسم نوروز کوردواری در "تنگیسر" شوند. همچنین براساس گزارشات رسیده، نیروهای سپاه پاسداران خروج مردم نیر و تنگیسر از روستا شده‌اند. از سوی دیگر، سپاه پاسداران و نیروی سرکوبگر انتظامی طی اطلاعیه‌های متفاوتی به مردم هشدار دادند که نیروهای این دو سازمان اجازه‌ی تیراندازی داشته و در صورت وقوع هر احتمالی شلیک خواهند کرد.

داده‌اند. همزمان نیز، نیروهای سرکوبگر رژیم ایران، دو راهی "سو" را مسدود کرده و به هیچ ماشینی اجازه‌ی عبور نمی‌دهند و رفت‌وآمد مردم را به شدت زیر نظر گرفته‌اند. خبرنگار وبسایت کوردستان میدیا، در همین رابطه گزارش داد که رژیم ایران تعداد چشم‌گیری از نیروهای تروریستی-نظامی خود را در منطقه مذکور، بویژه در اطراف روستاهای نیر و تنگیسر، مستقر کرده تا از این طریق بر فضای میلیتاریزه شده کوردستان بیافزایند و موجب رعب و وحشت در میان

آمادگی مردم جهت برگزاری مراسم جشن نوروز در روستای تنگیسر، موجب ترس و هراس مسئولان رژیم ایران شده است.

بنابرخبر منتشر شده در وبسایت کوردستان میدیا، در آستانه‌ی برگزاری مراسم نوروز در روستای تنگیسر، سپاه تروریستی پاسداران و نیروهای اطلاعاتی رژیم ایران از ترس تجمع گسترده مردم و برگزاری باشکوه مراسم نوروز، رفت‌وآمد شهروندان در منطقه‌ی "زاوورد" را تحت نظارت و کنترل شدید قرار



آگری اسماعیل نژاد

بخشصه معتمد تروریسم در شرایط کنونی یک بازی بین دولتی است که دولت‌ها بر اساس مدیریت خشونت در جوامع مختلف، آنرا در راستای منافع خود علیه همدیگر جهت کسب منافع حداکثری، به کار می‌برند.

بر همین اساس ما با یک نوع "ترور یا خشونت مقدس" اما با ترویسم‌ها مختلف روبرو هستیم، ترور مقدس، در واقع نگرشی است که بر اساس آن گروه‌های مختلف بکارگیری خشونت علیه جوامع، گروه ، جریان و افراد را حق خود می‌پندارند. معتقدین به ترور مقدس معمولا در نوشته‌ها و بحث‌های خود یک "تهدید بزرگ" که دیگران از آن غافلند را مطرح می‌کنند و بر اساس وجود این تهدید و باتوجه به اینکه مطلعين و مدافعین علیه این تهدید خود آن‌ها هستند، به خود حق می‌دهند به هر نوع خشونت علیه آن تهدید دست بزنند.

ساختار "ترور مقدس" چگونه است؟

در ساختار "ترور مقدس" سه عنصر اساسی نقش دارند، یک امر "مقدس" وجود دارد، این امر مقدس می‌تواند مربوط به زندگی این جهانی بشر یا رستگاری آن جهانی انسان‌ها باشد. امر مقدس می‌تواند یک برداشت جمعی در مورد آینده زندگی انسان در این جهان و یا آن جهان باشد. این امر مقدس از طرف جمع یا "نیروی غیرخودی" و "پلیدی" به خطر می‌افتد، پس در وهله اول امر مقدس در معرض یک" تهدید" قرار می‌گیرد.

اما امر مقدس همیشه "نگهبان واقعی" دارد و نگهبان واقعی برای رفع تهدید، این حق را به خود می‌دهد که هر نوع خشوتی را اعمال کند. ساختار تمامی ترورها از سه عنصر اصلی تشکیل شده است، یک "امر مقدس"، یک "نگهبان واقعی" و یک "تهدید جدی". نقش و مدیریت گروه‌ها،

جریانات و دولت‌ها در مدیریت "ترور مقدس" زمینه‌های شکل‌گیری تروریسم را فراهم می‌کند. در واقع تروریسم پدیده‌ای‌ست که حاصل روابط پنهانی و تأمین منافع فراقانونی دولت ، گروه‌ها و جریانات مختلف است.

بکارگیری تروریسم به عنوان راهکاری برای کسب منافع

دولت و گروه‌ها پدیده‌ای جدید نیست و قدمتی نامشخص دارد، اما سرتاسر دو قرن اخیر دولت‌های مختلف و گروه‌های انتیکی و دینی و حتی گروه‌های مبارز در سطح جهان تلاش کرده‌اند که ترور را مدیریت کنند، تا از طریق آن منافع مشخص را کسب نمایند. شاید یکی از مهم‌ترین نمونه‌های مدیریت تروریسم، به مدیریت تروریسم جمهوری اسلامی توسط کشورهای اروپای در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی برگردد. تروریست‌های جمهوری اسلامی که بعضا حتی ایرانی هم نبودند، در جغرافیای کشورهای غربی جمعی از مخالفین جمهوری اسلامی را به قتل رساندند.

در مدیریت تروریسم در سطح بین دولتی دو اتفاق از اهمیت شایانی برخوردار است:

آ : ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱
حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر از سه جنبه حائز اهمیت بود: یک: مقصد این حمله یک کشور ابرقدرت بود، که هیچ تناسب نیروی در بین

تا یک تهدید امنیتی.

اما حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر از جنبه دیگری نیز حائز اهمیت بود و آن بازتاب این حمله در سطح جامعه مسلمانان بود. دولت‌های اسلامی و نهادهای دینی موجود در آن کشورها برای دور ماندن از قدرت قهری آمریکا، این حمله را یک حمله تروریستی قلمداد کرده و آنرا محکوم نمودند اما در واقع جامعه مسلمانان زیاد هم از این حمله متاسف نبود و آن‌ها این حمله را به نوعی دست "قهر خدا" تلقی می‌کردند و آنرا در پرسپکتیو تقابل غرب و اسلام بررسی می‌کردند و در واقع این حمله را نوعی آغاز خروج از یک حقارت دو

سده‌ای می‌دیدند. این حقارت به روابط کشورهای اسلامی با کشورهای غربی(مسیحی) در قرن ۱۹ و ۲۰ مربوط می‌شود و تقریبا تمامی جغرافیای اسلامی در طی این دو قرن تحت استعمار و تحقیر جامعه غرب بودند و بخشی از جامعه مسلمانان بعد از ۱۱ سپتامبر



عملا احساس می‌کردند که دیگر فصل تحقیر جامعه اسلامی از طرف "جامعه مسیحی" به پایان رسیده است. این نگاه جامعه اسلامی، به حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر زمینه ساز آن بود که کشورهای اسلامی که در ترویج تروریسم اسلامی و مدیریت آن علیه غرب دست داشتند، از

غیراسلامی معمولا خود را حامی و انتقام‌گیر جامعه مسلمانان ساکن کشورهای غیراسلامی، معرفی می‌کند. مهم‌ترین نمونه آن حمله تروریستی به مجله "شارلی ابدو" در پاریس در ۷ ژانویه ۲۰۱۵ بود.

ب: حمله تروریستی ۱۵ مارس ۲۰۱۹ در نیوزلند
ظهر روز ۱۵ مارس به وقت نیوزلند در شهر "کرایست چرچ" این کشور ، چهار نفر مسلح به مسجدی در آن شهر در حالی که مسلمانان در آن در حال نمازخواندن بودن حمله کردند و نمازگزاران را به رگبار بستند. این حادثه از دو دیدگاه حائز اهمیت است:

بودند. اهمیت این مساله در این است که تروریسم اسلامی خارج از کشورهای اسلامی همیشه تلاش کرده است که خود را حامی مسلمانان در برابر سیستم‌های غربی قلمداد کند و این مساله که گاها "اسلام‌ستیزها" در خیابان‌های غربی کشته می‌شوند، برای



بخش زیادی از جامعه مسلمان مطلب خوشایندی بود. اما در شرایط کنونی که روی ترور به جامعه مسلمانان غرب است، این مساله مطرح شده است که ترور مقدس که یکی از جناح‌های اداره کنندگان آن دولت‌های اسلامی هستند، جامعه بشریت را به طرف وضعیت "جنگ همه علیه

شد. انتخاب این فرد به عنوان رئیس جمهور در عمل حاشیه امنیتی کشورهای اسلامی اداره کننده‌ی ترور مقدس اسلامی را بهم زد و در همین راستا جمعی از این کشورها وانمود می‌کنند که راه خود را از گروه‌های رادیکال اسلامی جدا کرده‌اند و دیگر حامی آن‌ها نیستند اما گروه دیگری مانند ایران

همچنان بر پدرخواندگی گروه‌های رادیکال اسلامی شیعه تأکید می‌کند و همین پدرخواندگی مسبب آن شده است تا ایران تحت تحریم‌های وسیع آمریکا و هم‌پیمانان آن کشور قرار بگیرد.

بنابراین، حمله تروریستی ۱۵ مارس سبب آن شد تا امنیت ذهنی مسلمانان در کشورهای

کوردستان

غربی برهم خورد و شاید این حمله نقطه آغازی برای ایجاد تغییر دیدگاه در بین مسلمانان ساکن جامعه غیرمسلمان باشد. بدین مفهوم که آن‌ها از درخواست‌های ضددموکراتیک خود مانند دادگاه اسلامی، بستن برقه و همچنین از جامعه ستیزی جامعه میزبان دست بکشند و تلاش کنند با ارزش‌های جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، هماهنگی و تلورانس داشته باشند. از سوی دیگر گروه تروریستی که حملات ۱۵ مارس ۲۰۱۹ نیوزلند را طراحی کرده بودند از قانون آزادی حمل اسلحه برای تهیه اسلحه استفاده کرده بود و کشتار خود را مستقیما از طریق شبکه‌های اجتماعی برای جهانیان به نمایش گذاشت. به نمایش گذاشتن این کشتار در واقع تداعی‌کننده همان رفتاری بود که داعش در شبکه اجتماعی انجام می‌داد. امنیت، یک مفهوم ذهنی است و فردی که به راحتی بتواند از کانال‌های قانونی اسلحه تهیه کند و تکنولوژی روز، مانند بادی_کامرا و سوشیال میدیا را برای انتشار خشونت ایجاد شده، بکار بگیرد؛ در واقع مسبب فروپاشی امنیت ذهنی جامعه می‌شود. چون این امکان‌ها تقریبا برای همه در جوامع غربی وجود دارد.

"ترور مقدس" نوعی خشونت است که در بطن جامعه‌های مختلف برپایه نگرش‌ها به دین، آینده و یا تمدن وجود دارد اما تروریسم یک پدیده است که کشورهای مختلف علیه همدیگر و در راستای کسب منافع حداکثری آن را مدیریت و حمایت می‌کنند. با توجه به رویدادهای که در فاصله زمانی ترور ۱۱ سپتامبر تا ترور ۱۵ مارس ۲۰۱۹ نیوزلند اتفاق افتاده است، مشخص شده است که هیچ کدام از جوامع این کشورها از شر ترور مقدس در امان نیستند اما شرط کم شدن این ترور این است که کشورهای اداره کننده ترور از حمایت آن دست بکشند، در واقع آنچه تروریسم را پدید آورده خواست دولت‌ها و گروه‌های سیاسی مختلف است. با توجه به اینکه ترور مقدس حاشیه امنی برای هیچ جامعه‌ای ایجاد نمی‌کند، باید دولت‌ها و گروه‌های سیاسی نیز ازحاشیه امن خارج شوند تا دست از حمایت ترور مقدس و ترویج تروریسم بکشند.

اگر ترور ۱۵ مارس مسبب آن شود که جامعه مسلمانان کشورهای غیر اسلامی بیشتر با جامعه میزبان خود تلورانس داشته باشند و عاملی برای آن گردد که جامعه اسلامی، تروریسم اسلامی در کشورهای غربی را بیشتر از این "قهر خدا" نپندارد؛ می‌توان امیدوار بود که فشارهای چند وجهی در جوامع اسلامی و غیراسلامی زمینه آن را فراهم می‌کند که دولت‌ها دست از بازی تروریسم بردارند و بیشتر ازاین "ترور مقدس" را تقویت نمایند.

مسئولین ومردم هر دو غرق، یکی در فساد مالی و دیگری در سیلاب و گرانی



خالد دروېزه

در حالی ملل تحت ستم نظام استبدادی با کوله‌باری از مشکلات فراوان سیاسی، اقتصادی ،اجتماعی و... منبعث از ساختار ایدئولوژیک رژیم نامستول و غیردمکراتیک جمهوری اسلامی پا در سال جدید شمسی گذاشتند که هنوز نسیم بهار و نوروز و طبیعت مرهمی بر زخم‌های فشار اقتصادی و گرانی و مشکلات طاقت فرسای‌شان نباشیده بود که یکباره و همچنان که پیشتر پیش‌بینی شده بود موجی از سیل ویرانگر، اکثر شهر و روستاهای ایران بویژه استان‌های گلستان، کردستان، لورستان، شیراز و بطور اخص زاگروس‌نشینان را مورد هجوم بیرحمانه خود قرار داد و متأسفانه جدای از خسارات فراوان مالی و اقتصادی، جان ده‌ها تن از ساکنین این مرز و بوم را گرفت. درحالی که پیشتر در مورد احتمال وقوع و فراگیری سیل در شبکه‌های اجتماعی و از طرف مسئولین و در سطح وسیعی اطلاع رسانی شده بود اما آنچه از قرائن و شاهدان عینی و تصاویر منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی برمی‌آید، نبود حداقل اراده از طرف مقام‌های جهت کمک‌رسانی به مردم گرفتار شده در دست بلای طبیعت بود.

امری که پیشتر هم و در اثر گرفتار آمدن مردم شاهد آن بودیم، مدت زمان طولانی نیست که عدم رسیدگی در خور بازماندگان و حادثه دیدگان زلزله استان کرمانشاه و بعد از گذشت بیشتر از یکسال زندگی تپی از امکانات حداقلی در کانکس‌های سرد و بی‌روح درحافظه آحاد مردم به جای مانده است. در نظامی که ساز و کارها و ساختار قدرت، مسئولین را از خدمت گذاران به مردم و حلال مشکلات‌شان به غارتگر و چپاولگران به سرمایه و اموال مردم تبدیل می‌کند، امید به وجود اراده و توانایی حل گرفتاری‌ها از طرف مسولین انتظار عبث و بیهوده‌ای خواهد بود و از طرف دیگر خود مسبب ایجاد طبقات غنی و فقیر خواهد شد، طبقه ای که با در دست داشتن امکانات وافر در تمامی ابعاد از هر گونه مشکلاتی در امان خواهد بود و طبقه‌ای که با بدست آوردن کمترین امکانات و مایحتاج ضروری آن هم عمدتا با پرداخت بهای جانی با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند و اینک حوادث طبیعی نیز بلای جانشان شده است و بدون شک عواقب روحی و روانی و بازسازی و درمانی پس از فروکش کردن طغیان آب بیش از پیش فاجعه بارتر خواهد بود. اگر چه نمی توان از وقوع سیل پیشگیری کرد اما آمادگی جهت به حداقل رساندن خسارات آن ، امداد رسانی به موقع به سیل زدگان و بازسازی ویرانه های چنین بلاییی یکی از ابتدایترین وظایف دولتها می باشد، وظایفی که رژیم جمهوری اسلامی و سران تا حلق غرق شده در فساد مالی نه تنها از انجام ندادنش آبایی ندارند بلکه در واقع خود مانع و سد راه امدادرسانی وکمکهای مردمی به مناطق حادثه دیده بوده و خواهند بود،گویی طنین نصیحتهای نیاکانشان که اگر می خواهی به سادگی حکومت بکنی بگذار مردم در فقر و تنگدستی زندگی کنند هنوز هم سرلوحه کار و رفتارهایشان را تشکیل میدهد و در جهت دستیابی به چنین هدف نامقدس و فزونی فاصله طبقاتی فسادهای گسترده و شبکه ای مالی در سطح داخلی و تامین مالی گروههای تروریستی وابسته به رژیم در خارج و سرمایه گذارهای کلان میلیاردي رژیم در کشورهای وابسته به حاکمیت ولایت فقیهه سندی مبرهن بر ثابت کردن چنین ادعایی است.

درچنین ساختار و بر مبنای چنین نگرشی است که رقابت بر سر مال اندوزی و تجمع ثروت و به غارت بردن سرمایه های مردمی از سوی اقلیت وابسته به حکومت زمینه فساد گسترده را فراهم کرده و نتیجه اش چنانچه شاهد ان هستمیم عدم توجه به اصول و مبانی مهندسی شهرسازی و در کلیت خود اسیب پذیری شهرها و جاده ها و سدها وخواهد بود که بدون شک تنها اکثریت مردم غیر خودی (به زعم حاکمیت)متضرر خواهند بود، در این بین اقلیتهای ملی ساکن در مرزهای ایران که عمدا بر طبق سیاست مارجینالیزه کردن از حداقل امکانات و ظرفیتهای لازم جهت توسعه محروم گشته اند بیشتر از دیگران در معرض اسیب پذیری قرار گرفته و خواهند گرفت. باشد که سیل عظیم نارضایتی‌های ملل تحت ستم بلای جان غیرمسولترین رژیم معاصر گردد.

شرحی حقوقی بر وجود بازداشتگاه‌های امنیتی در کردستان

آیین‌نامه اجرایی نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی توسط رئیس قوه قضاییه مصوب ۳۰. ۸. ۱۳۷۸ با وجودی که از قبل وجود داشتند، رسماً از وجاهت قانونی برخوردار گردیدند. به دلالت بند الف از ماده ۱ آیین نامه مارالبیان، بازداشتگاه امنیتی محل نگه داری متهمانی است که به لحاظ حساسیت‌های امنیتی و نظامی و با قرار کتبی مقام‌های صلاحیتدار قضایی تا اخذ تصمیم نهایی به آنجا منتقل و زیر نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات امنیتی و تربیتی کشور اداره می‌شود.

بر این اساس اجازه تاسیس چنین بازداشتگاه‌هایی به وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه، اطلاعات نیروی انتظامی، حفاظت و اطلاعات نیروهای مسلح داده شده است. نیازمند تصریح است که بازداشتگاه‌های مذکور بایستی هر ۱۵ روز توسط دادستان محل یا نماینده و قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده مورد بازدید قرار گرفته و گزارش آن به رئیس قوه قضائیه ارسال گردد.

تمامی ماموران و پرسنل امنیتی شاغل در این بازداشتگاه ملزم به رعایت استانداردهای مندرج در قانون احترام به حقوق شهروندی می باشند. با لحاظ نظامات قانونی موصوف، آیا چنین مکانیسم نظارتی در بازداشتگاه‌های امنیتی سندج وجود دارد؟ بررسی‌های به عمل آمده مبین فقدان هرگونه اطلاعات دقیق و رسمی در خصوص تعداد بازداشتگاه‌ها، محل و نهاد امنیتی مربوطه است. لذا عمده اطلاعات مبتنی بر مصاحبه و شهادت زندانیان سیاسی و عقیدتی است



چراغی ۲۴ ساعته روشن در توری پشت پنجره هوا خوری است. خشونت و آزار جسمانی به شدت بر بازداشت‌های اعمال می‌گردد. ۳. بازداشتگاه مخفی ستاد فرماندهی نیروی انتظامی کردستان؛ در سه راهی شالمان، این بازداشتگاه در پلاک ۲۸۲۸ اصلی بخش سوم سندج تاسیس شده که ملک آن

بدو ورود ایزوله کامل بوده و حتی از حق اطلاع به خانواده برخوردار نمی‌باشد. سلول‌های در حدود ۶ متر و فاقد تهویه مناسب و هرگونه سرویس بهداشتی در داخل سلول می‌باشد. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده، کف سلول برای آزار متهم مستمرا داغ نگه داشته می شود که شخص به راحتی نتواند براحتی استراحت کند. ب- بازداشتگاه فوق امنیتی مشهور به باشگاه افسران که بعد از انقلاب در اختیار سپاه سندج می‌باشد.

اطلاعات دقیقی از کارکرد این بازداشتگاه که بعد از انقلاب تاسیس شده وجود ندارد. ج- بازداشتگاه پادگان امام علی سپاه بیت المقدس کردستان که عمدتا محل نگه‌داری پرسنل نظامی و ضدجاسوسی می‌باشد. ۲. بازداشتگاه‌های تحت نظر وزارت اطلاعات؛

با توجه به تاسیس وزارت اطلاعات در سالیان بعد از انقلاب، ساختمان اداری و بازداشتگاه اداره اطلاعات کردستان نیز در دهه ۷۰ شمسی در زمین‌های مصادره‌ای متعلق به خانواده صادق وزیری تاسیس شده که دارای مساحت قابل توجهی مابین دو خیابان قفری و بلوار خسرو آباد می‌باشد (عکس شماره ۲).

بر اساس اطلاعات موجود این بازداشتگاه‌ها در سطحی نازل‌تر از کف تاسیس شده و دارای سلول انفرادی و جمعی است که در داخل سلول سرویس بهداشتی هم وجود دارد.

اندازه سلول های انفرادی در حدود ۴ متر با ارتفاع سقف و اطلاعات دقیق و رسمی از بازداشتگاه‌های امنیتی سندج وجود ندارد و هرآنچه که موجود است مبتنی بر روایت‌های مختلف زندانیان نجات یافته از این سیستم مخوف و پنهانی است. لذا ضروری است با لحاظ عدم وجود هر گونه نظارت مستقل بر بازداشتگاه‌های موجود و رویه خودسرانه حاکم که سالب حیات شماری از متهمان سیاسی و نیز اعمال شکنجه بوده، تقاضای بازدید گزارشگران موضوعی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد از بازداشتگاه‌های مذکور به یک مطالبه عمومی تبدیل و سازوکاری حقوقی آن توسط احزاب و سازمان حقوق بشری پیگیری گردد.



دکتر فراز فیروزی

اعمال خودسرانه و خشونت زائد الوصف در بازداشتگاه‌های امنیتی کردستان عموماً تبدیل به اخبار روزانه شده است. روزی نیست که خبری دائر بر ناپدیدسازی اجباری اشخاص و بازداشت‌های پیش دستانه به ظن اقدام علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی و مفاهیم کلی دیگری از این دست در فضای مجازی منتشر نگردد.

این چنین بازداشت‌هایی بر اساس شهادت فعالین سیاسی و عقیدتی همواره با شکنجه‌های روانی و جسمانی همراه بوده است.

همچنین است، عدم نظارت مستقل بر چنین بازداشتگاه‌هایی در کردستان به کرات منجر به سلب حیات خودسرانه اشخاص توسط مامورین امنیتی شده است. که می‌توان در شناخته موارد آن به قتل ابراهیم لطف‌اللهی، سارو قهرمانی و کیانوش زندی در بازداشتگاه اطلاعات سندج، اشاره کرد.

اما آیا وجود چنین بازداشتگاه‌هایی قانونی بوده و آیا مکانیسم نظارتی نسبت به عملکرد این بازداشتگاه‌ها وجود دارد؟ این نوشتار با لحاظ قواعد ناظر بر تاسیس و اداره چنین بازداشتگاه‌هایی، به این سوالات پاسخ خواهد گفت. قواعد حاکم بر بازداشتگاه‌های موقت در حقوق ایران از نظم تقنینی منسجم و واحدی پیروی نمی‌کند.

در این راستا اشخاص بر اساس نوع اتهام و حساسیت‌های تعریف نشده ممکن است به انواع مختلفی از بازداشتگاه‌های موقت منتقل شود.

در فرضی که شخص توسط ماموران امنیتی بازداشت می‌شود عمدتاً راهی بازداشتگاه امنیتی خواهد شد. این قسم از بازداشتگاه‌های موقت متعاقب تصویب

سناریوها و امکانات در سال جدید جمهوری اسلامی در مقابل جهان، حزب دمکرات در برابر جمهوری اسلامی



آرش صالح

با آغاز سال جدید شمسی که با بحرآن‌های عدید‌ه‌ای برای جمهوری اسلامی همراه بوده است این سوال بیش از پیش رخ می‌نمایاند که آینده روابط این رژیم با جهان و خصومت‌های‌اش با نظم و ثبات منطقه‌ای به کجا خواهد کشید و آیا جهان و علی‌الخصوص آمریکا در این سال می‌تواند دست به اقداماتی علنی در این زمینه بزند و یا خیر. اما همچنان سوال دیگری که از اهمیت استراتژیکی برای حزب دمکرات برخوردار است این است که سناریوهای احتمالی و پیش رو در این رابطه چه می‌توانند باشد و این حزب چگونه باید خود را برای هرکدام از این سناریوها آماده نماید. پیش از هرچیز باید گفت که سناریوهای بیشماری امکان وقوع دارند که در اینجا ما به دو انتهای طیف این احتمالات و یک مورد در فی ما بین آن‌ها اشاره خواهیم کرد و در نهایت با ارزیابی رویکردهای مناسبی که حزب دمکرات در هر مورد می‌تواند داشته باشد نکاتی را که به باور ما، حزب دمکرات باید درنظر بگیرد تا بتواند در تمام این شرایط به مانند یک نیروی موثر در کشور و منطقه نقش داشته باشد استخراج خواهیم کرد. اولین و محتمل‌ترین امکانی که به نظر می‌رسد در سال جاری در این رابطه اتفاق بیافتد این است که تغییری ماهوی در شرایط ایجاد نشده و وضعیت کماکان به این شیوه باقی بماند. به این معنا که روابط غرب با ایران در سال آینده کماکان تیره و تار بوده و تحریم‌های علیه ایران ادامه داشته باشند. همچنین وضعیت معیشتی مردم کماکان به روند نزولی خود ادامه دهد و بحران‌های اقتصادی با سرعت کنونی و شاید هم بیشتر ادامه پیدا کنند. ایران به مرحله‌ای که عملا بیشتر شبیه نفت در برابر غذا است، برسد و کماکان به دخالت‌های های خود در منطقه ادامه دهد.

در چنین شرایطی اگرچه نارضایتی‌ها ادامه خواهند

داشت اما بازهم حاکمیت در شرایطی است که بتواند در سال آینده هم سرکوب را ادامه دهد. حتی در شرایطی هم که ایران به وضعیت نفت در برابر غذا برسد، این امر که دولت هنوز به احتمال زیاد متولی پخش غذا و خدماتی است که به این شکل دریافت می‌کند، این امکان را به رژیم می‌دهد که یک اقلیت ۱۰ درصدی از جامعه را چه به شیوه اعتقادی و چه به شیوه جیره‌خوار در کنار خود نگه داشته و سرکوب را مبتنی بر این ده درصد ادامه دهد. تز "آتش به اختیار" به نظر می‌رسد در همین راستا است که این ماشین سرکوب بتواند در چنین شرایطی به صورت غیرمتمرکز عمل نماید. اما از سوی دیگر با توجه به حضور ایران در منطقه این امکان وجود دارد که رویارویی‌های محدودی در منطقه فی مابین نیروهای ایرانی و آمریکایی و یا اسرائیلی پیش بیاید. اما با توجه به اینکه آمریکا در حال نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری است و همچنین هیچ تمایلی در داخل آمریکا برای یک جنگ تمام عیار دیده نمی‌شود به همین دلیل این برخوردهای

هیچ یک از طرفین به تغییر در شرایط موجود علاقه‌ای نشان نداده و سیاست انتظار را در پیش گیرند. در چنین شرایطی وظیفه حزب دمکرات در واقع آماده شدن برای طوفان بعد از آرامش است. در شرایطی که فشار بر روی جمهوری اسلامی در حال افزایش است این رژیم در مقابل فشارهای درونی و علی‌الخصوص مبارزات مردمی شکننده‌تر و آسیب‌پذیرتر است. در چنین شرایطی، فرصتی برای حزب دمکرات مهیا می‌شود تا بتوانند به بسیج نیروها و امکانات خود دست زده و در تمام ابعاد خود رشد کیفی و کمی داشته باشد تا بتواند به عنوان فاکتوری موثر در منطقه نمایان شود. در وضعیتی که مردم در شرایط وخیم اقتصادی و معیشتی هستند و رژیم مشروعیت خود را از دست داده و درگیر بحران‌های عدید‌ه‌ای است، اگر جوانان یک نیروی موثر و یک مبارزه واقعی و قائم به ذات پیش روی خود ببینند، امید و انگیزه بیشتری برای پیوستن به حزب و کمک کردن به آن خواهند داشت. این امر باعث خواهد شد که نیروی انسانی متخصص و کارا و نیروی جوان

مذاکرات بدهد به همین دلیل بهتر است که اکنون که ترامپ پیش از انتخابات به یک پیروزی نیاز مرم دارد، با آن‌ها وارد مذاکره شود. چرا که اکنون، که ترامپ در مقابل کره شمالی نتوانسته دستاوردی داشته باشد لذا اشتیاق بیشتری خواهد داشت که با ایران به توافق برسد. در چنین شرایط فرضی، ایران می‌تواند با ترامپ در حالت بهتری کنار بیاید. از سوی دیگر اما در یک شرایط فرضی دیگر می‌توان تصور کرد که حتی مرگ خامنه‌ای باعث شود که جریاناتی در داخل سپاه با کنار آمدن با آمریکا، ابتکار عمل را به دست گرفته و طی یک کودتا رقبای دیگر خود را در سپاه و مراکز دیگر حذف کرده و قدرت را در دست بگیرند و درها را برای آمریکایی‌ها باز نمایند. لذا شرایط کاملا متفاوتی و گاه‌ا متضادی می‌تواند به این سناریوی احتمالی کنار آمدن ایران با آمریکا منجر شود.

اما در چنین شرایطی اگر حزب دمکرات نتوانسته باشد در تمام ابعاد سیاسی و نظامی خود را تقویت کند و تبدیل به نیرویی موثر شود، این امکان که بتواند در تحولات آینده نقش داشته

این شیوه حزب دچار ضعف شدید مبارزاتی می‌شود. لذا در چنین سناریوی احتمالی، اتفاقا عقلانیت سیاسی حکم می‌کند که حزب دمکرات اگر می‌خواهد در جامعه حضور داشته باشد بیشتر از هر موقع به تقویت همه ابعاد راسان و علی‌الخصوص ابعاد نظامی و تشکیلاتی خود بپردازد. به این معنی که حضور و مبارزات پیشمرگه افزایش پیدا کرده و تشکیلات مخفی داخل شهرهای کوردستان هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ کمی پیشرفت داشته باشد. قدرت نظامی حزب دمکرات اتفاقا در شرایطی که دولت مرکزی ایران بخواهد با غرب روابط بهتری داشته باشد برای حل مسالمت‌آمیز مساله کورد بسیار موثرتر خواهد بود. به عنوان مثال زمانی که ترکیه در حال مذاکره برای پیوستن به اروپا بود وجود یک مبارزه نظامی قوی در داخل مرزهای کشور بود که آن‌ها را به سوی حل مسالمت‌آمیز مساله کورد و دادن امتیازهایی در این زمینه وادار نمود. در صورتی که این مبارزه گسترده نظامی وجود خارجی نمی‌داشت این امکان که ترکیه تمایلی برای باز کردن



باشد بسیار اندک است. در چنین شرایطی ایران تبدیل به یک کشور نیمه دیکتاتوری می‌شود که با غرب رابطه خوبی هم دارد پس در این وضعیت تنها قدرت نظامی و موثر بودن حزب دمکرات است که این امکان را می‌دهد که این حزب در معادلات سیاسی، جایگاهی داشته باشد. در این سناریوی احتمالی اگر حزب دمکرات نتواند یک مبارزه قوی را در داخل هدایت نماید جریاناتی از مرکز مانند اصلاح طلبان بر روی مساله کورد سرمایه‌گذاری کرده و ابتکار عمل را به دست خواهند گرفت. در این شرایط جوانان تمایل کمتری برای حضور در مبارزه حزب دمکرات خواهند داشت و بیشتر فعالیت‌ها و خواسته‌های خود را در چارچوب گفت‌وگو مذکور تعریف خواهند کرد. به

باشد بسیار اندک است.

کوردستان

حزب دمکرات توان تثبیت کوردستان را نداشته باشد، در نهایت با توجه به پیشرفتهای تکنولوژیک و بسترهای آماده، در کمتر از یک ماه دولت مرکزی جدید این توان را خواهد داشت که دوباره کوردستان را به شرایطی پیشین بازگرداند. به همین دلیل در چنین شرایطی تنها وجود قدرت و تاثیر گذاری حزب دمکرات است که می‌تواند جریان‌های داخلی و دولت مرکزی جدید را ناچار نماید که خواسته‌های ملت کورد را به رسمیت بشناسند. از سوی دیگر اما، دولت‌های غربی و علی‌الخصوص امریکا نشان داده‌اند که بیش از هرچیز ثبات برای‌شان اهمیت دارد. این در واقع به این معناست که قوانین و حقوق بین الملل و اصولی مانند اصول حقوق بشر در رفتار آن‌ها کمترین تاثیر را خواهند داشت. در گزارش نهادهای امنیتی آمریکا به کنگره در فوریه ۲۰۱۹، این نکته با صراحت بیان شده است که آمریکا عملا از جریانی پشتیبانی خواهد کرد که بتواند امنیت منطقه‌ای را حفظ نموده و در درجه دوم مستقیما تهدید عملی برای آمریکایی‌ها یا اسرائیل نباشد. به همین دلیل در رویکرد جدید غربی‌ها و علی‌الخصوص آمریکایی‌ها تا آنجایی که یک منطقه امن باشد و تهدیدی برای آن‌ها نباشد، هیچ فرقی نمیکند که یک حزب کمونیست دو آتشه، یا یک اسلامگرا و یا یک گروه ناسیونالیست آن منطقه را امن و باثبات حفظ کند.

نتیجتا اگرچه احتمال‌های پیش روی روابط ایران بسیار متفاوت هستند اما در واقع چنانکه مشاهده شد، برای آنکه بخواهیم برای طیف گسترده‌ای از این شرایط آماده شویم به ناچار باید یک سری فاکتورهای اساسی را در نظر داشته و به تقویت آن‌ها بپردازیم. قدرت نظامی، حضور پیشمرگه‌ها، فعالیت بیشتر و پیشرفت کیفی و کمی تشکیلات داخلی تنها ابزارهایی هستند که حزب دمکرات و جنبش آزادی بخش ملت کورد می‌تواند بر آن‌ها تکیه نماید. با توجه به بی‌تاثیر شدن مفاهیمی مانند حقوق بشر در جهان امروز و تنها ماندن ملت‌های صلح‌طلب و دمکراتی مانند ملت کورد در کوردستان ایران، با توجه به اینکه جریان‌هایی مانند حزب دمکرات و ملت کورد در این چند دهه هر چقدر که نجابت بیشتری از خود نشان داده‌اند بیشتر به پستو و به عقب رانده شده‌اند و با توجه به تجربه چند سال اخیر که آن‌هایی که اسلحه در دست داشته‌اند برنده بوده‌اند می‌توان این نتیجه را گرفت که اگر می‌خواهیم باشیم باید بتوانیم که باشیم.

نقش رژیم در بر هم زدن زبان کوردی جنوب کوردستان ایران!



اردلان بهروزی

اگر چه زبان خود اِزاری است که به سبب ارتباط و تکلم بین انسان با جامعه و ملل مختلف به کار می‌رود اما در همان حال وسیله‌ای خواهد بود در راستای معرفی کردن شناسنامه‌ی فرهنگی، ادبیاتی و زبانی یک ملت. به همین دلیل تمایز شناسه‌ی هر ملتی چون کورد نمی‌تواند از جوهره‌ی این گفتمان استثناء باشد و این ملت به درازای تاریخ در روند شکل‌گیری هیکل خود در طول هزاران سال پیش، از تیره، طایفه و گروه‌های متعددی به هم پیوسته است و همچنان بعد از سیری کردن قرن‌ها و رسیدن به دنیا و جایگاه امروزی به گونه‌ای محدودتر و بنابر ضرورت و اجبار سیاسی در عصر خاص خود به طبقه‌بندی و ساختار ایلی، طایفه‌ای و تیره‌ای روی آورده‌اند و گاه گذاری به صورت جمعی در لوای نظم ساتراپ‌نشینی به زندگی سیاسی-اجتماعی خویش ادامه داده‌اند!

اگر چه با آغاز عصر مدرنیته در نوع حکومتداری، نزدیک

به ۲ قرن پیش اقلیتی ویژه از بافت‌های نامبرده جذب حکومت‌های شهرنشینی و دولتی شده و حتا در این روزگار صاحب مقام و منزلت‌های صدرنشین حکومتی شده‌اند و دست یافتن به آنچنان امتیازها باعث شده بود که هر کدام از این ایل و طایفه‌ها در رقابتی متفاوت، پاشنه‌ی تباری خود را به حاکمان مرکزنشین سراسری وصل کنند و در رتق و فتق محلی و منطقه‌ای دخیل و صاحب قدرت باشند که در این پیرامون اگر منظور عنوان نوشته‌ی مذکور را به استان "کرماشان" و حوالی آن ربط دهیم در می‌یابیم که پایه‌ی ساختار حکمرانی در این دیار نوعی از سیستم رئیس‌العشایری را در گذر زمان از خود نشان داده است و حتا به شیوه‌ای ویژه همراه با زد و بندهای سیاسی و باج دهی با دولت مرکزی و نمایندگان آن‌ها در استان کرماشان و ایلام کنونی در رخساری مستقل فرمانروایی خودشان را به پیش برده‌اند و از گوشه نگاه دیگر بسیاری از خاندان سران ایل و طوایف مورد نظر توانستند که از امتیازات مادی، آموزشی و امنیتی بیشتری به نسبت باقی اعضای ایلی برخوردار شوند و همین برتری داشتن‌های اجتماعی منجر شده که قادر شوند در داخل و همچنان در کشورهای غربی از تحصیلات عالی برخوردار گردند و در نتیجه همراه با امتیاز خانوادگی و برچسپ ایلی و طایفه‌ای به پست و مقام‌های بالاتر در حکومت مرکزی دست یابند. قرار گرفتن هر کدام از آنان در چنان رده‌های دولتی منجر شد که بهتر بتوانند زبان، فرهنگ و ایل و تبار خودشان را در مراکز

دولتی و ارگانی معرفی کنند. به همین سبب به نمونه‌های بارزی تکیه می‌کنم که در حد نسبی ممکن است صحت و سقم مراتب بالا را تأیید و شفاف تر باز کند. از ۲۰۰ سال گذشته تا کنون از تیره و طایفه‌های گروسی بیجاری، کلهرها، یاسمی گوران‌ها، سنجایی‌ها و ملک شاه‌های ایلامی، البته در زمانی فراتر از اینها ایل و تبار لکها، به پست‌های حکومتی و آکادمی درسلسله حکومت‌های پشت سر هم آمده دست یافته‌اند و در این راستا بدون اینکه به ظرافت و ترکیبات اجتماعی-زبانی استان کرماشان و ایلام ارجاع و توجه از خود نشان دهند لهجه‌ی ایلی و محلی خود را به مثابه‌ی قیَم‌گری از باقی لهجه‌های ایلی و طایفه‌ای مناطق مذبور در میان محافل و منابر عمومی و دولتی انتشار و نطفه گذاری کرده اند! در حالیکه قبل از دو قرن پیش تنها نوشته‌های موجود و باقیمانده از این ایل و تبارهای نامبرده متعلق به گویش کوردی تحت نام "گوران قدیم" بوده است و همین لهجه‌ی گورانی خود رگ حیاتی و پوشش بنیادی سخنوران ایل و طایفه‌های بالا را در نوشتار و گفتار آن وقت به شمار آمده است، اما شوربختانه رژیم‌ها، یکی بعد از دیگری در این مسیر سعی کرده‌اند که به لحاظ اهمیت و مرکز ثقل تحولات کوردستان در مناطق مربوطه به شیوه‌ای هدفمند و سیستماتیک بر روی دو گزینه سرمایه گذاری کنند: ۱- بها دادن و برجسته کردن مذهب دولت مرکزی ۲- به هم زدن زبان کوردی به نیت آسیمیله کردن آن.

بنابراین یافته‌ها در این پیرامون نشان داده است که

ارزیابی نتایج این هدف پلید و در واقع "ژنوساید سفید" از سوی سیاست حکومت‌ها در مناطق کرماشان و ایلام امروزی تا حدودی نسبی به آمال خویش دست یافته اند؟! از سخنی دیگر مدتی است که گویا در کارنامه‌ی هزمو ن‌طلبی و بازدهی سیاست مذهبی رژیم فعلی در کلیت حوضه‌های کرماشان، ایلام و حوالی آن در طول چهل سال گذشته تا کنون بنا به رشد و آگاهی اجتماعی و ازدیاد ثمرات منفی در سیر پرورده‌ی مذهبی-سیاسی وارد مسیری افولی گردیده است و بر همین اساس از دریچه‌ی دیگر توسط گربه‌های دست آموز خود، وارد حیات خلوت لهجه‌های ایل و طایفه و تیره‌ها شده است تا شاید قادر شود با این سنگ پراکنی‌ها، جنگ لهجه‌ای را به عنوان وسیله‌ای شوم و هدفمند توسط عاملین و جیره‌خواران خود در میان بافت اکثریت مردمان کرماشان-ایلام راه‌اندازی کند و از این راه مسیر و منافع خویش را طولانی و امین‌تر سازد، در حالیکه ساکنان این ولایت سال‌هاست که بعد از میراث زبان کوردی گوران قدیم که بر روی محور یک لهجه‌ی مشترک کوردی همراه با زیر مجموعه‌های آن در گفتمانی وابسته و درهم تنیده در تکلم و غلت خوردن هستند.

اگر چه مدت مدیدی است که از سوی رژیم اسلامی ایران هر از گاهی به اشتباه اما با هدف خاصی! نام یکی از این ایل و طایفه‌ها را از سوی دست آموزان خود به عنوان معیار و قیومت باقی اسامی‌ها، برجسته کرده و در محافل ادبیاتی و میدیایی که در کنترل خود رژیم است انتشار و از فرآورده‌ی آن

دیوار تفرقه‌اندازی را در میان آن‌ها وسعت می یخشد. در واقع نباید به آسانی از این امر مهم گذر کرد و نسبت به کسانی که خود را به اصطلاح روشنفکر، شاعر، نویسنده و... لقب داده‌اند و در این راه سرنوشت‌ساز بطور عمدی و یا ناآگاهانه خود را همراه و یاور به ثمر رساندن این پروسه‌ی رژیم شده‌اند و یا در همان حال گرفتار تعصب ایلی و طایفه‌ای خود واقع شده‌اند بایستی هشیار گردند که نتایج نهایی این امر با رژیم، غیر از تخریب و چند دستگی در میان بافت زبانی-اجتماعی مردمان کرماشان-ایلام حاصل دیگری به بار نخواهد آورد. بنابراین همانگونه که ساکنان استان کرماشان بر آن واقفند، سالهاست بستری زبانی که در مرکز شهر کرماشان به هم پیوند خورده است و به گونه ای خود حامل و حاصل تراویدن و نمایندگی کلیت گفتارهای مردمان جاف، هورامی، لک، کلهور، گوران، گروس بیجاری، کورد ایلامی و... است که اکثریت آن‌ها با این شیوه‌ی کوردی که می توان آنرا کوردی "کرماشانی" نام نهاد آشنایی داشته و در حوضه‌ی استانی با هم محاوره دارند، اگر چه تا این اواخر به مجموعه‌ی زیادی از این نام و گویش‌های ایلی و طایفه‌ای در محافل عمومی تحت نام (ثرا زوان یا ثمرا زوان) از آنان نام برده شده است و تقریباً تا کنون هم بر سر زبان‌ها باقی مانده است و دلیل پیدایش این اصطلاح ناشی از کاربرد و استفاده‌ی مشترک کلمه‌ی ویژه "ثرا و یا ثمرا" زبان در میان گفتار مردمانی که اکثریت به قریب ساکن جنوب کوردستان ایران هستند، اختراع دیگری

که به تازگی جهت ممانعت از برخورد‌های لفظی و دور شدن از تعصبات خشک لهجه‌های ایلی و طایفه‌ای پوشش دیگری را تحت نام "گویش کوردی جنوبی" به بازار سخنوران و مسئولیت پذیران مناطق مربوطه اضافه گردیده است و به نظر می‌آید که این مشخصه به تنهایی قابل بحث و از رأی گسترده‌ی خاصی برخوردار است و نیازمند به کاوش زیاتری خواهد بود. کلام آخر، تاریخ به ما گوشزد می‌کند که نقش -ستان- با ضمیر درون مایه‌ای مملو از توطئه‌ها و پلیده‌های سیاسی منجر شده است که در دورانی نه زیاد دورتر " لورستان" را از هیکل تتومند ملت کورد جدا سازند و امروزه به گواهی اکثریت مردمان لورها نه اینکه خودشان را از وابستگان ماها تلقی نمی‌کنند، بلکه با آن همه زمینه‌ی موجود ذوب شده که در زبان و فرهنگ آن‌ها به روشنی قابل عیان است خود را سزاوار نمی‌بینند که بازتعریفی از تاریخ گذشته‌ی زبان، فرهنگ و جغرافیای تکه تکه شده خود را داشته باشند، پس بر همین اساس باید بسیار آگاه و دوراندیش باشیم که امروزه نیز همان تاریخ در حال تکرار شدن است و "ستان"‌های دیگری از جنس "لکستان و کلهورستان" در پروسه‌ی سیستماتیک خانه‌ی شیخ و حامیان آن واقع شده است و شاید در فردای نزدیکتر گورانشتان، سنجاییستان، گروسیستان و... به این طرح و اندیشه‌ی جدا سازی‌ها پیوند بخورد و کوردستان را دچار کشمکش‌های درونی از نوع زبانی و آئینی کند و در واقع نتایج آن به پدیده‌ای غیر قابل انتظار تبدیل شود.

سیل در سایه حاکمیت ولایت فقیه



گزارش: شهرام میرزائی

با آغاز بارش‌های فصلی در ابتدای سال جدید شمسی و جاری شدن سیل در بسیاری از نقاط کوردستان و ایران، ناتوانی و بی‌برنامگی حکومت اسلامی در پیشگیری و کاهش آسیب‌های وارده بر اثر بلایای طبیعی آشکار و آشکارتر شده است. با اینکه وقوع زلزله کرماشان در آبان ۹۷ و عدم کمک‌رسانی به موقع و مناسب به زلزله‌زدگان، ذات ضدبشری این حکومت فاشیستی را بر همگان آشکار ساخت اما زاویه‌های پنهان جمهوری اسلامی در به نابودی کشاندن بنیادهای زندگی و حیات در سراسر ایران و کوردستان در جریان سیلاب‌های اخیر، به وضوح نمایان شد.

کرماشان، ایلام، لورستان و چهارمحال بختیاری از جمله استان‌هایی می‌باشند که سیلاب، تلفات جانی و مالی

گسترده‌ای را بر آن‌ها تحمیل کرده است. استان‌های که طی دهه‌های اخیر بطور مستمر جزء ۱۰ استان محروم، فقیر و با بیشترین آمار بیکاری بوده‌اند. جمهوری اسلامی ایران از سویی با عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی و تجاری در این استان‌ها بصورت

سیستماتیک فقر، بیکاری و توسعه‌نیافتگی را گسترش می‌دهد و از سوی دیگر با عدم ایجاد زیرساخت‌های لازم برای پیشگیری و کاهش آسیب‌های ناشی از بلاهای طبیعی، بطور هدفمند در تلاش است که بنیادهای زندگی و حیات مردمان کورد را نابود و با تحت فشار قرار

دادن آن‌ها از طریق پیامدهای ناشی از بلاهای طبیعی، این مردمان را ناچار به ترک محل زندگی خود کند. در همین رابطه، کاتلین ورل رئیس مرکز مطالعات اقلیمی و امنیت آمریکا، اظهار داشته است که رژیم ایران می‌توانست با در نظر گرفتن تدابیری بسیار ساده مانع از این حجم از خسارات

ناشی از سیل در کوردستان و ایران شود. کاتلین ورل همچنین رژیم ایران را مسئول مستقیم فجایع روی داده طی روزهای اخیر دانست و طی مصاحبه‌ای که با صدای آمریکا داشت، گفت: علاوه بر اینکه مناطق سیل‌زده از وجود هرگونه زیرساخت مناسب برای مواجه شدن با چنین

روزی محروم هستند، تغییرات اعمال شده بر اکوسیستم بر شدت سیل و میزان خسارت آن افزوده است. حکومت اسلامی ایران علاوه بر تداوم سیاست‌های استعمارگرانه حکومت پهلوی و چپاول منابع زیرزمینی و روزمینی کوردستان و محروم نگه داشتن استان‌های زاگروس، بصورت سیستماتیک و هدفمند با در پیش گرفتن برنامه‌هایی، حیات و امکان زندگی در کوردستان را هدف قرار داده است. این رژیم فاشیستی-مذهبی چه بصورت مستقیم و چه غیرمستقیم تمام توان خود را جهت از بین بردن بنیادهای حیات در کوردستان از جمله آب، خاک و جنگل‌های زاگروس کانالیزه کرده و می‌کوشد تا زمین به غارت بردن ثروت‌های این مردمان، سرزمینی برهوت و سوخته را برای آیندگان به جا بگذارد

امواج پارازیت در بوکان مانع از دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای شده است

وجود پارازیت‌های گسترده و می‌شوند. قوی در شهرستان بوکان موجب شبکه‌های ماهواره‌ای شده که پخش شبکه‌های کوردی‌زبان مشتمل بر تمامی ماهواره‌ای کوردی‌زبان در این کانال‌های ماهواره‌ای احزاب شهر و روستاهای اطراف آن کورد اپوزیسیون حکومت با مشکل جدی مواجه گردد. اسلامی ایران و نیز کانال‌های براساس گزارشات رسیده، کوردی دیگری که اکثراً در امواج پارازیت قوی که توسط نهادهای دولتی حکومت ایران بر روی شبکه‌های ماهواره‌ای کوردزبان ارسال می‌گردد نظامی – امنیتی ایران به ویژه تمامی شهرستان بوکان را سپاه پاسداران در شهرهای دربرگرفته و دریافت صدا و کردستان به منظور ارسال تصویر این کانال‌ها امکان‌پذیر امواج پارازیت بر روی کانال‌های ماهواره‌ای، اقدام به گفته یکی از شهروندان به نصب دستگاه ارسال امواج بوکان، در طول شب پخش پارازیت کرده که این امواج به کانال‌های ماهواره‌ای کوردی طور مستقیم بر روی چنین آثار به صورت مستمر قطع شده منفی و مخرب گذاشته و در و بیشتر شهروندان از تنوع بیشتر موارد سبب تولد نوزاد برنامه‌های ماهواره‌ای محروم نارس و زودرس می‌شود.

آژانس کوردپا از اقدامات فراقضایی حسن بابایی در رابطه با پرونده دو زندانی سیاسی کورد پرده برمی‌دارد



حکم اعدام دو زندانی سیاسی کورد اهل سنندج به دستور رئیس وقت دادگاه انقلاب این شهر ظرف ۴۸ ساعت اجرا گردیده است. براساس گزارش منتشر شد از سوی آژانس خبررسانی کوردپا، حکم اعدام دو زندانی سیاسی کورد به نام‌های "نادر و کیومرث محمدی" اهل روستای "شیان" به دستور حسن بابایی، رئیس وقت دادگاه انقلاب سنندج در ظرف ۴۸ ساعت اجرا گردیده است.

یک منبع آگاه از دادگستری سنندج در این رابطه به این آژانس گفته است: از جمله اعمال خارج از شأن قضایی یک قاضی که ضمناً تخلف انتظامی نیز می‌باشد مداخله در مراحل مختلف رسیدگی از مرحله تعقیب تا صدور تأیید و اجرای رأی آن هم در پرونده متهمان سیاسی است. که قاضی حسن بابایی در جریان رسیدگی به پرونده نادر و کیومرث محمدی از اعضای حزب دمکرات دائر بر اتهام کشتن ناصر بیگلری سرهنگ پازنشسته سپاه پاسداران انجام داد.

این منبع آگاه افزود: حسن بابایی همواره در جلسات شورای قضایی استان با افتخار یاد می‌کرد که در کمترین زمان ممکن بدون ختم تحقیقات مقدماتی مبادرت به صدور حکم اعدام نامبردگان که فاقد وکیل بوده و تا لحظه اعدام در اختیار اطلاعات سپاه کردستان بودند، شخصا پرونده را به دیوان عالی کشور برده و تأیید رأی را دریافت و ظرف ۴۸ ساعت رأی اجرا گردیده است. این منبع آگاه اظهار داشت: این دو زندانی سیاسی کورد تا لحظه اعدام در اختیار قرارگاه شهرام‌فر سپاه پاسداران بودند. این منبع آگاه عنوان کرد: پیشتر تدریس درس حقوق جزای اختصاصی (۳) مقطع کارشناسی حقوق در دانشگاه پیام‌نور سنندج باید با اجازه حراست دانشگاه فقط به بابایی، رئیس وقت دادگاه انقلاب سنندج و طبیبی، معاون وقت دادرسی عمومی و انقلاب سنندج داده می‌شد.

نادر و کیومرث محمدی بیست نهم بهمن‌ماه ۱۳۸۵ در سنندج توسط اطلاعات سپاه بازداشت و به قرارگاه شهرام‌فر منتقل شده بودند.

سیزدهم مردادماه ۱۳۸۶، شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی سنندج این دو زندانی سیاسی را به اتهام "محاربه از طریق اقدام علیه امنیت ملی و عضویت در حزب دمکرات و شناسایی و ترور افراد وفادار به نظام جمهوری اسلامی ایران" به اعدام محکوم و سپس این رأی از سوی دیوان عالی کشور عیناً تأیید گردیده بود. خبر اعدام این دو زندانی سیاسی کورد بیست و پنجم مهرماه ۱۳۸۶ از سوی بی‌بی‌سی فارسی و بیست و دوم مهرماه ۱۳۸۶ در کردستان میدیا، وب‌سایت رسمی حزب دمکرات کردستان ایران منتشر شده بود.

ژاکان باران همچنان در اعتصاب و بازداشت است



نبی کریمی و ژاکان باران صادر گردید. نیروهای اطلاعاتی از چندین روز پیش از روز تعیین شده، طی تماس‌های مکرری با فعالین فرهنگی ملکشاهی از جمله علی ملکشاهی مستقیماً آنان را تهدید کرده بودند که اگر مراسم نوروز کوردواری را برگزار کنند بازداشت خواهند شد. مردم ملکشاهی ایلام بدون توجه به تهدیدات انجام شده همچنان بر برگزاری مراسم نوروز کوردواری و پرافروختن آتش مقاومت و مبارزه تأکید کردند که با هجوم وحشیانه و ددمنشانه نیروهای تروریستی جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو شده و این نیروها با توسل به زور مانع از برگزاری این مراسم شدند.

یک جوان کورد به پنج سال زندان محکوم شد



خبری اعلام کرده که این شاعر کورد بعد از بازداشت از سوی نیروهای اطلاعاتی، دست به اعتصاب زده و همچنان به اعتصاب خود ادامه می‌دهد. این آژانس خبررسانی همچنین اعلام کرد که خانواده این فعال کورد تاکنون نتوانسته‌اند با فرزند خود ملاقاتی داشته

و وثیقه پنجاه میلیون تومانی تا هنگام برگزاری جلسه دادگاه به شیوه موقت آزاد شد. این جوان کورد روز یکشنبه بیست و هفتم آبان‌ماه سال

گذشته از طریق تماس تلفنی به اداره اطلاعات مریوان احضار و بازداشت شده بود. وی به اتهام "همکاری با یکی از احزاب کورد اپوزیسیون

ادامه بازداشت شهروندان کورد در مریوان

این شهروند کورد در دهستان "خاوومیرآباد" از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت شده است. به گفته یک منبع آگاه، این شهروند بدون ارائه مجوز قانونی و به دلیل حضور فعال در مراسمات نوروزی بازداشت شده است.

یک شهروند اهل شهرستان مریوان توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت گردید. روز چهارشنبه هفتم فروردین‌ماه، یک شهروند کورد به نام "پیام شوقی" فرزند اسحاق اهل مریوان توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

زخمی شدن دو کولبر کورد در مرزهای نوسود و سردشت



حکومتی مستقر در مرز نوسود مورد تیراندازی قرار گرفته و سپس به مراکز درمانی پاهو

دو کولبر کورد در پی تیراندازی نظامیان حکومتی در مرزهای نوسود و سردشت زخمی و به مراکز درمانی انتقال یافتند. روز یکشنبه یازدهم فرودین‌ماه، یک کولبر کورد به نام "ابراهیم خوشنودی" فرزند حسن اهل روستای "سرده" از توابع شهرستان پاهو بر اثر شلیک مستقیم نظامیان حکومتی در مرز نوسود از ناحیه پا به شدت زخمی شد. این کولبر کورد از سوی نظامیان

احضار جوانان روستای "سردوش" به اطلاعات مریوان

پاسخ به خواسته‌های نیروهای اطلاعاتی خودداری کرده‌اند. این منبع آگاه دلیل احضار جوانان روستای "سردوش" را "برگزاری مراسم باشکوه نوروز" در این روستا که عصبانیت نیروهای اطلاعاتی را در پی داشته است، اعلام کرد. در همین رابطه نیز، روز دوشنبه

به گفته یک منبع آگاه، نیروهای اطلاعاتی جهت بازداشت دو تن از جوانان روستای "سردوش" به منازل شخصی آنان یورش برده‌اند، اما موفق به بازداشت آنان نشده‌اند. این منبع آگاه افزود: جوانان روستای "سردوش" از مراجعه به اداره اطلاعات مریوان و

۳۰ جوان اهل روستای "سردوش" به اداره اطلاعات مریوان احضار گردیدند. نیروهای اطلاعاتی از طریق تماس تلفنی سی تن از جوانان روستای "سردوش" از توابع مریوان را تهدید و به اداره اطلاعات این شهرستان احضار کرده‌اند.